**جلسه229 – 12/ 08/ 1398 قضیه سمره /نقل های قاعده /قاعده لا ضرر**

## قرینه توثیق سعد آبادی: وقوع در اسناد کامل الزیارات

یکی از روایات قاعده لا ضرر روایت حسن صیقل بود. در سند این روایت دو بحث وجود داشت. مرحله اول، وثاقت خود حسن صیقل و مرحله دوم تصحیح طریق مشیخه فقیه به حسن صیقل است. در طریق شیخ صدوق به حسن صیقل، محمد بن موسی بن المتوکل و علی بن الحسین السعدآبادی واقع شده که نیازمند بررسی وثاقت هستند. درباره وثاقت محمد بن موسی بن المتوکل بحث صورت گرفت و عمده قرائن توثیق علی بن الحسین السعدآبادی نیز بیان شد. یکی از قرائن، وقوع در اسناد کامل الزیارات بود که نیازمند بحث بیشتر است.

درباره اسناد کامل الزیارات دو مبنا می تواند در توثیق علی بن الحسین السعدآبادی مفید باشد. اول مبنای سابق مرحوم خویی که تمام راویان واقع در اسناد کامل الزیارات را ثقه می دانستند. دوم که مبنای اخیر مرحوم خویی است، توثیق مشایخ بدون واسطه ابن قولویه است. علی بن الحسین بن السعدآبادی از مشایخ مستقیم ابن قولویه است و مطابق هر دو مبنا می توان او را توثیق کرد. اما آیا این دو مبنا صحیح است؟

حاج آقای والد مباحثی را درباره عبارت ابن قولویه در مقدمه کامل الزیارات بیان کرده که در مقاله منتشر شده در مجله تا اجتهاد این مباحث منتقل شده که به نکات اصلی از آن با توضیحات بنده اشاره می شود.

### تفسیر آقای سیستانی از عبارت مقدمه کامل الزیارات

در تقریرات درس آقای سیستانی صحت هر دو مبنا انکار شده و محصّل فرمایش ایشان این است که از عبارت مقدمه کامل الزیارت تنها بر می آید که ابن قولویه از ضعفا در صورتی نقل نمی کند که راوی از ضعفا، مشهورین به حدیث و معروفین به روایت نباشند. اما اگر نقاد حدیث و کسانی که کار آنها جرح و تعدیل حدیث بوده اگر از راوی ضعیف، روایت کرده باشند روایت او را در کامل الزیارات نقل می کند. به همین دلیل ممکن است در کامل الزیارات، راوی ضعیف به اعتماد نقل نقاد حدیث، راه یافته باشد. ایشان ظاهر عبارت مقدمه[[1]](#footnote-1) را این دانسته و قرائن خارجی را نیز مؤید آن می داند.[[2]](#footnote-2)

مراد از نقاد حدیث، بزرگانی مانند ابن ولید و شیخ صدوق هستند که سند روایات را مورد بررسی قرار می دهند. شیخ صدوق درباره روایتی در عیون اخبار الرضا می نویسد: «كان شيخنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضي الله عنه سيّئ الرأي في محمد بن عبد الله المسمعي راوي هذا الحديث و إنما أخرجت‏ هذا الخبر في هذا الكتاب لأنه كان في كتاب الرحمة و قد قرأته عليه فلم ينكره و رواه لي‏»[[3]](#footnote-3) از این عبارت برداشت می شود ایشان روایت مسمعی را به اعتماد نقل سعد بن عبد الله در کتاب الرحمه و عدم انکار ابن ولید، نقل کرده است. آقای سیستانی شبیه به همین مطلب را درباره مقدمه کامل الزیارات قائل شده است.

#### تکمیل اشکال آقای سیستانی

اشکال آقای سیستانی نیازمند مکمّل است تا بتواند مورد بحث را شامل شود. به این بیان که هر چند نقل ابن قولویه از ضعفا به اعتماد نقل نقاد حدیث است اما الزاما نقل نقاد حدیث را در کامل الزیارات نیاورده است. اگر روایت این مشهورین را در کامل الزیارات نقل کرده باشد، شامل علی بن الحسین السعدآبادی نمی شود زیرا سعدآبادی تنها در یک سند از اسناد کامل الزیارات واقع شده و شیخ مستقیم ابن قولویه است. این روایت از طریق دیگری نیز نقل نشده تا گفته شود به اعتماد نقل نقاد حدیث، روایت سعدآبادی را در کامل الزیارات نقل کرده است. روایتی که ابن قولویه از سعد آبادی نقل کرده، بدین نحو است:

حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَآبَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ الْحُسَيْنُ ع أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ قُتِلْتُ مَكْرُوباً وَ حَقِيقٌ عَلَيَّ أَنْ لَا يَأْتِيَنِي مَكْرُوبٌ قَطُّ إِلَّا رَدَّهُ اللَّهُ وَ أَقْلَبَهُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُوراً[[4]](#footnote-4)

هر چند تعبیر انا قتیل العبره، در روایات متعددی در کامل الزیارات نقل شده اما ظاهر تعبیر آقای سیستانی این است که در صورتی ابن قولویه روایت راوی ضعیف را در کامل الزیارات نقل کرده که همین روایت از همین راوی ضعیف را مشهورین به علم و حدیث نقل کرده باشند اما لازم نیست نقل این روایت در کامل الزیارات اتفاق افتاده باشد. با این فرض، تنها اعتبار خصوص این روایت اثبات شده و راوی ضعیف، توثیق نمی شود.

مفهوم عبارت مقدمه کامل الزیارات به نظر آقای سیستانی این است: «من در صورتی از راوی ضعیف روایت می کنم که مشهورین به علم و حدیث، از راوی ضعیف نقل کرده باشند» مکمل کلام آقای سیستانی این است که لازم نیست مشهورین به علم و حدیث از راوی ضعیف در کامل الزیارات راویت کرده باشند. اگر نقل روایت از راوی ضعیف توسط مشهورین به علم و حدیث در کامل الزیارات شرط بود، آقای سیستانی نمی تواند توثیق علی بن الحسین السعد آبادی را نفی کند. زیرا راوی مشهور به علم و حدیث در کامل الزیارت از علی بن الحسین السعدآبادی روایت نکرده است. در نتیجه باید علی بن الحسین السعدآبادی ثقه باشد در حالی که آقای سیستانی، توثیق سعدآبادی به واسطه مقدمه کامل الزیارات را نفی می کند. پس باید ایشان عیارت مقدمه را این گونه معنا کند که در صورتی روایت راوی ضعیف را نقل می کنم که مشهورین به علم و حدیث، از راوی ضعیف این روایت را و لو در دیگر کتب، نقل کرده باشند. در این صورت، نقل روایت موجب توثیق راوی ضعیف نبوده و به خاطر اعتماد نقاد حدیث به روایت است نه اعتماد به راوی. مثل اینکه شهرت جابر ضعف سند باشد. در نتیجه اگر نقل روایت مشهور به علم و حدیث از راوی ضعیف در کامل الزیارات شرط نباشد، امکان دارد گفته شود: راویانی مانند کلینی این روایت را از علی بن الحسین السعدآبادی در کتابی که به دست ما نرسیده، نقل کرده و ابن قولویه به اعتماد نقل کلینی، روایت علی بن الحسین السعدآبادی را در کامل الزیارات نقل کرده هر چند سعدآبادی در نظر او ضعیف بوده است.

### بررسی کلام آقای سیستانی

آیا اصل ادعای آقای سیستانی با توضیح بیان شده، صحیح است؟

در بررسی این ادعا اول باید متن صحیح عبارت مقدمه را بازیابی کرد زیرا در کامل الزیارات عبارت بسیار مشوّش بوده و در برخی از نقلیات، متن صحیح آن وارد شده است.

#### مرحله اول: عبارت صحیح مقدمه کامل الزیارات

ابن قولویه در مقدمه کامل الزیارات می نویسد: «و إنما دعاني إلى تصنيف كتابي هذا مسألتك و تردادك القول علي مرة بعد أخرى تسألني ذلك و لعلمي بما فيه لي من المثوبة- و التقرب إلى الله تبارك و تعالى و إلى رسوله و إلى علي و فاطمة و الأئمة صلوات الله عليهم‏ أجمعين و إلى جميع المؤمنين ببثه فيهم و نشره في إخواني المؤمنين على جملته فأشغلت الفكر فيه و صرفت الهم إليه و سألت الله تبارك و تعالى العون عليه حتى أخرجته و جمعته عن الأئمة صلوات الله عليهم أجمعين من أحاديثهم و لم أخرج فيه حديثا روي عن غيرهم إذا كان فيما روينا عنهم من حديثهم ص- كفاية عن حديث غيرهم» مراد از عبارت اخیر این است که با وجود روایات ائمه ع دیگر نیازی به نقل روایت از دیگران نیست. تا اینجای عبارت، جنبه مقدماتی داشته و دخالتی در بحث حاضر ندارد. ایشان در ادامه می نویسد: «و قد علمنا أنا لا نحيط بجميع ما روي عنهم في هذا المعنى و لا في غيره لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته و لا أخرجت فيه حديثا روي عن الشذاذ من الرجال يؤثر ذلك عنهم عن المذكورين غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث و العلم و سميته كتاب كامل الزيارات و فضلها و ثواب ذلك‏»

در چاپ آقای بهراد جعفری بعد از «عنهم»، «علیهم السلام» اضافه دارد. عبارت صحیح این است: « و لا أخرجت فيه حديثا روي عن الشذاذ من الرجال یأثر ذلک عنهم غیر المعروفین بالروایه المشهورین بالحدیث و العلم» به این صورت که «یأثر» فعل معلوم بوده و «غیر المعروفین» فاعل آن است و «علیهم السلام» و «عن المذکورین» زائد است.

در تحلیل چگونگی رخ دادن این تحریفات باید گفت:

برخی به تصور این که مرجع ضمیر «عنهم» ائمه است، «علیهم السلام» را اضافه کرده اند. در حالی که مرجع ضمیر آن «الشذاذ من الرجال» است.

«عن المذکورین» نیز تفسیری بوده که برخی برای ضمیر «عنهم» در حاشیه بیان کرده اند به این نحو که مرجع ضمیر «عنهم» ائمه نبوده و همین مذکورین (الشذاذ من الرجال) است. در چاپ قبلی مستدرک حاجی نوری، «عن المذکورین» در حاشیه قرار داشت ولی به نام نسخه بدل اما این حاشیه تنها تفسیری است نه نسخه بدل. یکی از تحریفاتی که در نسخ ایجاد می شود، انتقال عبارت تفسیری از حاشیه به متن است مانند این که در متن «عن جعفر» بوده و در حاشیه نوشته می شود: «الصادق» بعد تفسیر بیان شده، در متن داخل شده و تبدیل به «عن جعفر الصادق» می شود یا «احمد بن محمد» در عبارت متن بوده و در حاشیه نوشته می شود: «بن عیسی» یا در متن «علی» بوده و در حاشیه نوشته می شود: « بن ابراهیم» این عبارات تفسیری به تصور این که عبارت متن بوده و از متن ساقط شده، در استنساخ به متن اصلی منتقل می شوند.

«یأثر» نیز به علت اضافه شدن «المذکورین» در متن اصلی، برای تصحیح عبارت به «یؤثر» تبدیل شده است.

در نسخه های دیگری از جمله نسخه مجلسی این قطعه این گونه نقل شده است: « و لا أخرجت فيه حديثا روي عن الشذاذ من الرجال يأثر ذلك عنهم غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث و العلم.»[[5]](#footnote-5) البته در نسخه مرحوم مجلسی، «رحمهم الله برحمته» به «رحمهم الله ترجمته‏» تبدیل شده است. در برخی از مخطوطات دیگر از کامل الزیارات نیز عبارت به همین نحو است. برخی مقاله مفصلی را در مجله تراثنا درباره عبارت مقدمه کامل الزیارات نگاشته اند که اصل مقاله، قوت کافی را ندارد اما یکی از نکات سودمند این مقاله، انتشار تصویر نسخ خطی مختلف عبارت مقدمه کامل الزیارات است.

#### مرحله دوم: مراد از الشذاذ من الرجال

نکته دومی که در بررسی کلام آقای سیستانی باید بررسی کرد این است که ایشان دو مطلب موجود در عبارت مقدمه را به اشتباه، به هم متصل کرده و چنین برداشتی را از عبارت مقدمه استظهار کرده اند. ایشان «الشذاذ من الرجال» را به معنای ضعفا گرفته اند و در نتیجه عبارت را این گونه معنا می کنند: «من از ضعفا در صورتی که راویان غیر مشهور روایت کنند، روایت نمی کنم.» مفهوم عبارت این است: «من از ضعفا در صورتی که راویان مشهور روایت کنند، روایت می کنم.» همین مفهوم با صدر که بیان شده: «تنها از ثقات نقل می کنم،» تنافی داشته و موجب تقیید آن است. پس تفسیر «الشذاذ» به ضعفا باعث تنافی صدر و ذیل بوده و باید این دو عبارت را با هم معنا کرد.

اما «الشذاذ» به معنای راویان غیر متعارف است و قطعا به معنای ضعفا نیست. شاذ کسی است که مانند مشهور نبوده و منفرد از مشهور باشد. شخصی که مشهور نیست می تواند ثقه بوده و می تواند ضعیف باشد. هر چند در بیشتر تفسیرها، الحدیث الشاذ تنها به خلاف مشهور بودن تفسیر شده و قید ثقه در آن اخذ نشده اما حاکم نیشابوری در درایه، الحدیث الشاذ را به حدیث ثقه ای که خلاف مشهور است، تفسیر می کند.

در کتاب کشاف اصطلاحات الفنون؛ ج1، ص: 1000- 1001 عبارات مختلف اهل درایه در تفسیر شاذ نقل شده است. در یکی از این تفسیرها آمده: « الشّاذ ما خالف الراوي الثقة فيه جماعة الثقات بزيادة أو نقص» در ادامه تفسیرهای دیگری برای الشاذ بیان شده که در برخی قید ثقه بودن وجود داشته و در برخی این قید وجود ندارد اما در هیچ یک از این تفسیرها، شاذ به ضعیف تفسیر نشده است. پس شاذ بودن به ضعیف بودن راوی ارتباطی ندارد و در نتیجه باید عبارت مقدمه را این گونه تفسیر کرد که ابن قولویه بیان کرده: اولا از راوی ضعیف نقل نمی کنم و ثانیا از راوی شاذ نیز تنها در صورتی نقل می کنم که المشهورین بالحدیث از او نقل کرده باشند. پس ایشان علاوه بر عدم نقل از ضعفا، قید زائدی را بیان کرده که یا راوی مشهور به علم و حدیث است یا شاذی است که مشهور به علم و حدیث از او روایت کرده است. در نتیجه، «الشذاذ من الرجال» در ذیل، به معنای ضعفا نبوده و نهایتا اطلاق دارد و دیگر نمی تواند قیدی برای صدر که ایشان بیان کرده از ضعفا نقل نمی کنم، باشد.

به طور خلاصه می توان گفت: اصل نکته این است که آیا عبارت فقره دوم، مقیّد فقره اول است یا در مقام بیان قید زائد است؟ اگر الشذاذ به معنای ضعفا باشد، فقره دوم، تقیید عبارت اول است و اگر به معنای ضعفا نباشد، تقیید فقره اول نبوده و بیان قید جدیدی است. آقای سیستانی، الشذاذ را به معنای ضعفا دانسته و در نتیجه، مفهوم عبارت ابن قولویه این است که ایشان گاه از ضعفا روایت می کند و قهرا باید صدر قید بخورد.

1. [کامل الزیارات، ابن قولویه القمی، ج، ص4.](http://lib.eshia.ir/86827//4/الشذاذ) و لا أخرجت فيه حديثا روي عن الشذاذ من الرجال يؤثر ذلك عنهم عن المذكورين غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث و العلم‏ [↑](#footnote-ref-1)
2. قاعده لا ضرر و لا ضرار (للسیستانی)؛ ص: 21 [↑](#footnote-ref-2)
3. [عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج2، ص21.](http://lib.eshia.ir/86808/2/21/السمعی) [↑](#footnote-ref-3)
4. [کامل الزیارات، ابن قولویه القمی، ج، ص109.](http://lib.eshia.ir/86827//109/السعدآبادی) باب 36، ح 7 [↑](#footnote-ref-4)
5. [بحار الانوار، محمّد باقر المجلسی (العلامة المجلسی)، ج1، ص75.](http://lib.eshia.ir/71860/1/75/الشذاذ) [↑](#footnote-ref-5)